

## درنگ

## استاد ایرج فاضل از دغدغه‌هایش می‌گوید

## جامعه پزشکی و چالش‌های پیش روی

از مهمترین چالش‌ها در حوزه آموزش علوم پزشکی نحوه پذیرش دانشجو است. این مسئله که هر فردی توانایی پزشک شدن را ندارد، بسیار قابل توجه است، اما متأسفانه هر ساله کتک‌ور برگزار و به صورت فله‌ای دانشجو پذیرفته می‌شود و هر داوطلبی نمره‌ای بیاورد در تونلی وارد می‌شود که فقط در انتهای آن یک خروجی وجود دارد و هفت سال باید در آن باقی بماند. بسیاری از دانشجویان پس از یکی دو سال پی می‌برند که برای این رشته آمادگی ندارند، اما راه فرار هم ندارند و مجبورند ادامه دهند و این یکی از دلایلی است که ما این همه پزشک داریم

### حمیده طاهری

ایرج فاضل شخصیت دوست‌داشتنی و جالبی دارد. من از نگاه ژورنالیستی شیفته شخصیت او شدم و جامعه پزشکی از نگاه حرفه ای شیفته او است. فاضل ۷۶ ساله از آن شخصیت‌هایی است که نمی‌شود با او آشنا شد و دوستش نداشت و به احترام بزرگی و طبع بلند و همت ستودنی‌اش سراپا نایستاد. مردی که شرف و آبروی جامعه پزشکی است و به قول دکتر هاشمی وزیر بهداشت که در مورد او نوشت :

«نکته مهم‌تر اما آن‌که دکتر ایرج فاضل همیشه در کنار مردم بوده و در روزهای سخت، این حضور پررنگ‌تر جلوه کرده است؛ از روزهای پیروزی انقلاب تا سال‌های دفاع مقدس و تمامی حوادث و اتفاقات مهم پس از آن تا امروز.»

مردی که همیشه در کنار مردم ماند و عطای قدرت را به لغایش بخشید تا مردمی بر درد مردم باشد. مرد بزرگ و با اخلاقی که امروز از آن چه که سقوط اخلاقی است ناراحت است و می‌گوید بحرانی که جامعه ما با آن مواجه است، فروپاشی اخلاقی است اما اگر همه سقوط کردند شما پزشکان سقوط نکنید. مصاحبه با او ، کار ساده‌ای نبود و راضی کردن او برای اینکه از خودش حرف بزند ، چندین ماه زمان برد، زمانی طولانی که ارزشش را داشت. پای صحبت‌های استاد که می‌نشینی و تاریخ زندگی‌اش را ورق می‌زنی بیشتر و بیشتر جذب همت، اراده و جذبه او می‌شوی. رییس جامعه جراحان دیترویت امریکا باشی و به عشق وطن و دل‌شوره جوانانی که در جنگ پریز می‌شدند تمام

زندگی‌ات را رها کنی و بی‌هیچ چشم‌داشتی به وطن جنگ‌زده و ملت‌هی برگردی که بیشتر از هر وقتی در تاریخش به یک جراح نیاز داشت. جراحی که به گفته خودش شبانه‌روز در هر عملیاتی در منطقه جنگی می‌ایستاد و جراحی می‌کرد. او از اعضای گروه پزشکی امام (ره) بود و قبل از آن نقش مهمی در مداوای آیت‌الله خامنه ای در جریان ترور ایشان داشت. ایرج فاضل ۷۶ ساله بسیار کمتر از سنش نشان می‌دهد، هنوز با شور و انرژی و با همان ابهت همیشگی‌اش از جامعه پزشکی دفاع می‌کند و معتقد است اخلاق حرفه‌ای همکارانش از بسیاری از اقشار دیگر قابل دفاع‌تر است.

ایرج فاضل دکترای پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران و دارای فوق تخصص جراحی عروق و پیوند اعضا و تخصص جراحی عمومی/دانشگاه ریانت/استیت/آمریکا و استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است. فاضل، پزشکی است که علاوه بر تصدی وزارت بهداشت در دولت‌های هاشمی رفسنجانی،روزگاری نیز بر کرسی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در سال‌های ۶۳ تا ۶۴ تکیه زد. او همچنین تا خردادماه ۱۳۹۰ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بود و دو دهه ریاست فرهنگستان علوم را بر عهده داشت. ایرج فاضل که ریاست مجمع انجمن‌های علوم و ریاست سازمان نظام پزشکی را در کارنامه خود دارد، هم‌اکنون استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رییس جامعه جراحان ایران است.

او دو بار وزارت را تجربه کرده و بار در مدتی کوتاه کمتر از دو سال

که هیچ‌وقت به کار پزشکی نمی‌پردازند؛ بنابراین ما در انتخاب رهروان این رشته کوچک‌ترین تمهیدی نداریم و صرفا به نمراتی بسنده می‌کنیم که گویای هیچ‌چیزی نیست که این مسئله باید یک روز حل شود. در حال حاضر در مجامع پیشرفته برای پذیرش دانشجو به مصاحبه‌ها و ارزیابی روانی افراد برای حضور در رشته‌ای خاص اهمیت می‌دهند اما متأسفانه اینجا برای جلوگیری از پارتی‌بازی و به دلیل عدم اطمینان لازم به افراد، همه چیز روی کاغذ و کتک‌ور و تست ارزیابی می‌شود. البته از فجاج سال‌های اخیر فروش سوال‌های کتک‌ور است که یک فرد خلافکار از این طریق سوال‌ها را می‌خرد و می تواند پزشک شود و افرادی هم که این کار را می‌کنند به راحتی موفق می‌شوند از چنگ قانون فرار کنند. در هر صورت اگر ما آرزومند توسعه پایدار هستیم باید بدانیم که دو بخش آموزش عالی و سلامت اساسی‌ترین نقش را در توسعه جامعه دارند. البته تا جایی که من می‌دانم، چه آن زمان که مسئولیت این وزارتخانه‌ها را برعهده داشته‌ام و چه الان، این دو بخش همیشه فقیرترین وزارتخانه‌های این کشور هستند و این در حالی است که تمام مردم بدون استثنا با این دو وزارتخانه سر و کار دارند؛ اما هرگز به این دو بخش توجه و عنایت

وزارتخانه‌ا ترک گفت تا به حوزه تخصصی خود بازگردد. مردی که به گفته خودش آبروی حرفه‌ای‌اش را به خطر انداخت تا شاید بتواند گره‌ای از کار مردم بگشاید؛ و اگرچه دورانی طولانی را در مدیریت تجربه نکرد ولی توانست الگویی متفاوت در مدیریت علمی و اجرایی ارائه کند، او زمانی که در صحن علنی مجلس استیضاح شد هیچ دفاعی از خود نکرد و وقتی نوبت به صحبتش رسید گفت: برنامه‌ای که من دنبال می‌کنم حاصل عقل جمعی عده‌ای از نخبگان پزشکی است چنانچه به من رأی بدهید بدون هیچ تبعیری آن را ادامه خواهیم داد.

فاضل، مؤسس و رئیس فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به مدت ۱۹ سال بود و بعدها به دلیل اینکه قدرت اجرایی فرهنگستان محدود شد و به قول او زیر آسانسور فرهنگستان‌ها بعب متفجر کردند و تبدیل به یک دبیرستان شد آنجا را ترک کرد. او مؤسس و رئیس جامعه جراحان ایران، مؤسس و رئیس انجمن علمی پیوند اعضا ایران، عضو مؤسس و رئیس انجمن پیوند اعضای خاورمیانه، دانشیار دانشگاه ریانت استیل، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، مؤسس و رئیس مجمع انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران و مدیرمسئول نشریه جراحی ایران است. او در سال ۸۴ نشان درجه اول دانش را از رییس جمهور گرفت و در حال حاضر اسناد ممتاز دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رییس جامعه جراحان ایران است. ایرج فاضل از جمله چهره‌های محبوب و مقتدر جامعه پزشکی است که کارنامه درخشانی در ۸ سال جنگ تحمیلی از خود به جا گذاشت. ■

**سپید:** از بچگی دوست داشتید پزشک شوید و

شدید، همیشه این قدر به آرزوهایتان پایبند بودید؟

خودم هم خیلی دقیق نمی‌دانم که چرا ولی همیشه پای حرفم و آن چیزی که فکر می‌کردم درست است می‌ایستادم در مجموع یک اصل کلی وجود دارد و اینکه هر آدمی تحت تأثیر یک سری شرایط و عوامل است.

هر آدمی با یک‌سری شرایط سرشتی به دنیا می‌آید، در یک محیط بزرگ می‌شود و در کنار خصوصیات ذاتی یک سری خصوصیات کسبایی هم به دست می‌آورد و روی مهر وفته شخصیت یک نفر را شکل می‌دهد.

**سپید:** کدام عامل برای شکل گیری شخصیت شما

تأثیر بیشتری داشت؟

شاید سختی‌های زندگی، تلاش و درس‌خواندن‌های طولانی و کار کردن‌های زیاد و ترکیبی از همه عوامل. ولی پزشک‌وار تلاش برای همه‌عامل تعیین‌کننده‌ای است.

**سپید:** پدرتان چه شغلی داشت؟

پدرم کارمند دولت بود و مادرم خانه‌دار ولی سواد خواندن داشت و درکل خانواده فرهنگی داشتیم. من در سوم اردیبهشت ۱۳۱۸ به دنیا آمدم. دریک خانواده متوسط و در محیطی بزرگ شدم که آثارش را هنوز در وجودم و زندگی روزمرام می‌بینم.

**سپید:**ملاچه آثاری؟

پدر و مادرم دروغ نمی‌گفتند، انسان‌های خوش‌نامی بودند، به عهد و قولی که می‌دادند به‌شدت پایبند بودند و همیشه یک معلم و الگوی خوب برای ما بودند. در بسیاری از خانواده‌ها پدر و مادر همتاوجه نیستند که رفتارو گفتارشان روی بچه‌تأثیرمی‌گذاردنه حرف‌زدن‌هایشان. اگر به بچه بگوییم دروغ نگو و خودمان دروغ بگوییم این‌یک عامل تضادی در بچه می‌شود. چه پدر و مادر باشی چه معلم و چه استاد دانشگاه باید بدانیم که عمل ما بیشتر از حرف زدن تأثیر دارد. ببینید همان معضلی که ما درزمینه بحث اخلاق پزشکی داریم، دانشجویان ما اخلاق حرفه‌ای و تعهد را در عمل و رفتار ما می‌بینند نه در حرف زدن‌های ما. مجموعه همین عوامل شخصیت کلی یک نفر را شکل می‌دهد. یکی از چیزهایی که من از پدرم یاد گرفتم قناعت بود. وقتی یک نفر قانع باشد چشمش سیر است و این بزرگ‌ترین ثروت دنیاست و این ارنیه بالارزش پدرم به من بود. اینکه زیاده‌خواهی نداشته باشم و چشم‌وادم سیر باشد. اگر قناعت نباشد دنیا را هم داشته باشی بازهم گرسنه‌ای.

**سپید:** شما جراح ثروتمندی نیستید؟

نه اصلا. من ثروتمند شدن و پول جمع‌کردن را بلد نیستم. همیشه معتقد بودم که این ثروت‌های انبوه به درد کسی نمی‌خورد و فقط یک‌بار اضافه است که باید یک‌عمری به دوش کشید و بعد بگذاریم و برویم. چه کسی درطول تاریخ توانسته‌درای از پولش را بجاویدبرد. **سپید:** همسرتان هم توقع نداشتند زندگی مجللی داشته باشند؟

نه هرگز و ما هیچ‌وقت در این ورطه نیفتادیم.

**سپید:** شما جایی گفته بودید که ما جراح‌هایی داریم که زیرخط فقر زندگی می‌کنند، واقعا جراح فقیر داریم؟ ظاهری که ما از این قشر می‌بینیم خیلی مغایر با این حرف است.

این حرف مال زمانی بود که پزشک‌ها جزو مرفه‌ترین اقشار جامعه بودند نه امروز.

**سپید:** یعنی الان جراح‌ها جزو ثروتمندا نیستند؟ نه چنددرصدطبقه‌ثروتمندمادرحال حاضر جراح‌ها و پزشک‌ها هستند؟ بسیاری از ثروتمندهای بزرگ جامعه کنونی ما درس نخوانده و زحمت نکشیده‌اند. یک‌شبه میلیارد شده‌اند. امروز ثروتمند شدن راه خودش را ندارد و خیلی‌ها به ثروت‌های نجومی رسیده‌اند که سزاوارش نبودند و این به‌تدریج طبقه‌های تحصیل کرده و اساتید دانشگاه را به حاشیه می‌راند، چون تقسیم ثروت به انحراف کشیده شده است. حالا در این طبقه خیلی ثروتمند ممکن است چندتایی جراح خیلی معروف و مقبول هم باشند. به نظر من هر پزشک مجاز و مختار است که اگر زندگی و معیشت او از حرفه پزشکی تأمین نمی‌شود از مسیر مناسب دیگری آن را تأمین کند و بی‌شک به‌دلیل تحصیلاتی که انجام داده است می‌تواند موفق هم باشد اما تجارت با پزشکی جور در نمی‌آید. اگر پزشکی بخواهد ثروتمند شود راه‌های زیادی وجود دارد ولی اینکه هر فردی بخواهد از طریق پزشکی ثروتمند شود به‌انجا، به بیماران فشار وارد خواهد کرد. پزشک باید یک زندگی معمولی و سالم و آبرومند بسازد. در این صورت هیچ‌گاه در حق بیمار اجحاف نخواهد کرد.

**سپید:** پس می‌پذیرید که در جامعه پزشکان خطاهای دیده می‌شود؟

من فکر می‌کنم در مقایسه با سایر قشرهای جامعه بدنه اصلی جامعه پزشکی از سایر طبقات سالم‌تر است. **سپید:** پس چرا ذهنیت عمومی مردم این قدر بد شده؟

یک مقدار تقصیر شما روزنامه‌نگارهاست. شما به دلیل گرسنگی خبری که دارید به دنبال سوژه هستید، از طرفی اجازه هم ندارید معضلات و چالش‌های واقعی جامعه را مطرح کنید و بی سوژه می‌مانید و بعد دو تا بخیه یک بچه را بزرگ می‌کنید. این اتفاق یک ناهنجاری‌های صنفی است که به‌کل یک حرفه تعمیم داده می‌شود. ولی آن‌طرف ماجرا را نمی‌بینید که در همان روز صداها جراحی موفق در سرتاسر مملکت انجام‌شده و ده‌ها نفر از مرگ نجات پیدا کردند.

**سپید:** یعنی اگر رسانه‌ها نگویند مردم این کم‌کاری‌ها را نمی‌بینند؟ تشخیص‌های نادرست و ... شما به‌عنوان رسانه چرا تشخیص‌های درست را نمی‌بینید؟ ما سالانه میلیون‌ها جراحی موفق داریم چرا آن‌ها را نمی‌بینید؟

**سپید:** وظیفه رسانه ایجاب می‌کند که نقص‌ها را هم ببیند.

ببینید به نظر من در این هجمه‌ای که علیه جامعه پزشکی به وجود آمده یک مقدار زیاده روی هم وجود

یک نکته مهم وجود دارد، اخلاق در کل جامعه دچار افت و سقوط شده. ما دچار بحران اخلاقی هستیم و پزشکی هم استثنا نیست. بی‌اخلاقی‌های فراوانی جلو چشم مردم اتفاق می‌افتد. بیت‌المال غارت می‌شود و همه بی‌مکافات باقی می‌مانند، این به طون غیر مستقیم درس بی اخلاقی به مردم است. ما داریم سقوط می‌کنیم. من زمانی که می‌شوم در برخی مطب‌ها چهار، پنج بیمار را هم‌زمان ویزیت می‌کنند خیلی ناراحت می‌شوم؛ به‌نظر من این پزشکی نیست. این نوعی سوداگری خجالت‌آور است که باید ریشه‌کن شود. هر بیمار باید با دقت کافی و در شرایط اختصاصی ویزیت شود. می‌دانم که در عمل عده‌ای می‌گویند: با این تعرفه‌ها چطور می‌شود اینگونه کار کرد؟ پاسخ می‌دهم که با همین تعرفه‌ها هم باید دقیق طبابت کرد. اگرچه باید تلاش کنیم تا تعرفه‌ها عادلانه باشد. احترام به بیمار و کرامت فراموش شده انسانی در کشور را حداقل با پزشکان باید احیا کنیم. در مجموع مراقب شرایط بیمار باشیم. در زمینه‌های مادی نیز باید توجه کنیم ویزیت را از افرادی که توان و بضاعت کافی ندارند بارعبات احوال آنان بگیریم یا اصلا دریافت نکنیم. ما در این بحران‌ها را نادانستیم. وقتی با عاملان اختلاس‌ها برخورد نمی‌شود یعنی ما عزم و هدف اصلاح نداریم. مسیر جامعه معکوس شده‌است. این حجم از اختلاس و دزدی در تاریخ ما سابقه نداشته‌است.

**سپید:** مهم‌ترین ویژگی که از پدرتان یادتان مانده چه چیزی است؟

اینکه پدرم همیشه آدم درست‌کردار و صادقی بود. بسیار مهربان بود و درس‌ومشق و سرنوشت ما برایش خیلی مهم بود.

**سپید:** چند بچه بودید؟

دو پسر و سه دختر بودیم که الان فقط دو خواهرم مانده‌اند.

**سپید:** این تشویق و حمایت برای همه بچه‌ها بود؟ برادرم مرحوم دکتر بهمن فاضل دندانپزشک بود و خواهرهایم هر سه فرهنگی بودند. من سومین فرزند خانواده و نخستین پسر خانواده بودم. از سن و دو نیم سالگی مطالبی را کم‌وبیش به یاد دارم.

**سپید:** حالا چرا دو و نیم سالگی؟

چون پدرم کارمند دولت بود و برای مأموریت به شهرستان‌های مختلف منتقل می‌شد و نخستین خاطر رام از یکی از همین مأموریت‌هاست. نام پدرم رضا بود که فرزند دوم پدربزرگم بود. پدربزرگم روحانی بود و آن‌وقت تازه قرار بود افراد شناسنامه بگیرند و هر کس باید نام فامیلی انتخاب می‌کرد، لقب فاضل را به سبب دانش پدربزرگم به ایشان دادند. پدرم نیز کارمند دولت بود و از تحصیل کرده‌های زمان خودش بود، مادرم هم باسواد بود. هردو پدربزرگم عالم بودند و من قسمتی از دست‌نوشته‌های آن‌ها را هنوز دارم و نگهداری می‌کنم. خوشنویسی را نزد پدرم آموختم. من در اردستان به دنیا آمدم. پدر و مادرم تبار اصفهانی داشتند ولی من در مأموریت پدرم در اردستان به دنیا آمدم و شناسنامه‌ام صادره از اردستان است.

**سپید:** پدر و مادرتان نسبتی باهم داشتند؟

پسرخالو و دخترخاله بودندو عشقی دیرپا به‌هم‌داشتند، خیلی خوب همدیگر را درک می‌کردند. ما هیچ‌وقت شاهد اختلافی حتی لفظی و کوتاه بین آن‌ها نبودیم. رابطه گرمی داشتند و فضای آرامش و محبت به‌خوبی لمس می‌شد. به‌طور عجیبی باهم هماهنگ بودند. من برای تخصص به آمریکا رفته بودم که پدرم سکنه کرد. متأسفانه پس از درگذشت ایشان به من خیر دادند و وقتی باعجله و سراسیمه برگشتم حتی مراسم ختم هم انجام‌شده بود، این‌یکی از حسرت‌های بزرگ زندگی من است که هیچ‌گاه نمره‌ای از زحماتی که برای من

کافی نشده است و تنها اعشاری از آن درصد بودجه‌ای که باید به این دو بخش تعلق بگیرد به آن داده شده است، بنابراین اگر به این مسئله رسیدگی نکنیم و به این واقعیت مسلم پی نبریم توسعه پایدار به نحو مطلوب محقق نخواهد شد.

**افق روشنی نمی‌بینم**

برای طرح تحول سلامت افق روشنی نمی‌بینم. من در ابتدای طرح خیلی امیدوار بودم، از همان بدو شروع هم نگرانی‌هایی در مورد چگونگی ادامه آن داشتم. با این وضعیتی که بیمه‌ها به وجود آورده‌اند من افق روشنی نمی‌بینم. الان شش ماه است که بیمه‌ها به بیمارستان‌ها بدهکارند و این فشار خردکننده‌ای است. یک جراح و پزشکی که شش ماه حقوق نگرفته تحت‌فشار است و اگر زمانی پزشکی خطایی کند و زیرمیزی بگیرد در بوق و کرنا می‌کنند. جامعه پزشکان دارد تاوان بی‌عرضه بودن و سیستم از هم‌پاشیده بیمه‌ها را پس می‌دهد... اینطور که پیش می‌رود ما در ادامه طرح و تأمین بودجه آن مشکلات اساسی‌ای خواهیم داشت. ما امروز برای تأمین هزینه‌ها مشکل داریم و نمی‌دانم تا شش ماه دیگر چه اتفاقی می‌افتد. ■



هاوانا ۱۳۶۷



می‌کشید نصیب او نشدو حتی در لحظات پایانی عمرش هم نتوانستم بر بالینش باشم.

**سپید:** پدرتان دوست داشتند پزشک شوید؟ هیچ‌وقت پدرم رشنه خاصی را به ما تحمیل نکرد. دوست داشتم که درس بخوانیم و خیلی حساس بودند ولی رشته خاصی را به ما نمی‌گفتند ولی یادم است سالی که فرار بود کتک‌ور بدهم، یک‌کشی که بافامیل دورهم جمع بودیم پدرم فال حافظ گرفتند با این نیت که آیا من رشته موردعلاقه‌ام قبول می‌شوم یا نه و این غزل حافظ آمد

که (مژه ای دل که مسیحا نفسی می‌آید). پدرم خیلی خوشحال شدند و گفتند خیالت راحت باشد قبولی.

**سپید:** چطور پزشکی را انتخاب کردید؟

خودم من هم خیلی فکر کرده‌ام که چطور شد پزشک شدم، ولی دلیل خاصی برایش پیدا نمی‌کنم. از دوران دبستان و از وقتی که به یاد دارم، خیلی دوست داشتم پزشک شوم. اصلا به چیز دیگری فکر نمی‌کردم. بالینکه چنین سابقه‌ای در خانواده و اطرافیانمان نبود ولی من حتی از بچگی وقتی مرغی را سر می‌بریدند می‌رتفم و کالبدشکافی می‌کردم تا با اعضای درونی آن و طرز قرار گرفتن آن‌ها در بدن آشنا شوم. بعضی وقت‌ها دانشجویان نزد من می‌آیند که در مورد تخصصی که می‌خواهند انتخاب کنند مشورت کنند، تعجب می‌کنم چون هر کس را برای کاری ساخته‌اند. مثلاً ساختار فکری و حتی جسمی چشم‌پزشک‌ها با او توپدها فرق می‌کند. میزان استرس پذیری، ذوق و علاقه و نیازهای هر تخصص باعث می‌شود که فرد رشته تخصصی را به‌تناسب وضع ذوق خودش انتخاب کند. من از همان آغاز عاشق جراحی بودم و هیچ‌وقت حتی در دوران تحصیل دانشگاهی هم در این مورد تردید نکردم. علتش راه نمی‌دانم. پزشک خانوادگی ما مرحوم دکتر میرعلایی مردی خوش‌سیماو خوش اخلاق بود و شاید شخصیت و رفتار متین او در جلب من به رشته پزشکی تأثیر داشته است.

**سپید:** نخستین خاطره‌ای را که از یک پزشک

انتخاب کنند و فقط تحت تأثیر تخصص مردم

- هر کسی که با دشتش کار می‌کند خلاق است. جراح کسی است که با دست، مغز و جان انسان‌هاست و کم کردن درد و مریضی
- فکر می‌کنم هر کسی که می‌خواهد به یاد استغفای مادی و معنوی باید جزو شرایط آن بده بستان و به فکر همه چیز غیر از صلاح
- اگر قانون در جامعه حرمت نداشته باشد پاسخگو نیستند. اگر افرادی که بیت‌المال را